

به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

- شعرخوانی
- شوق مهدی (عج)

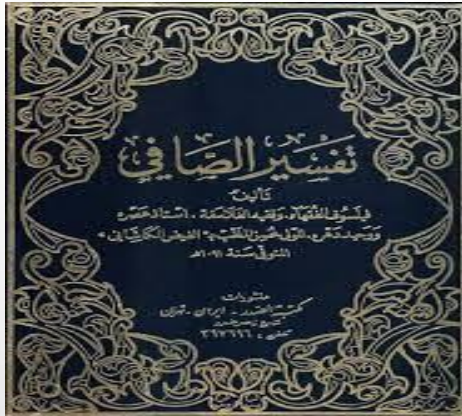
- ادبیات فارسی

- پایه هشتم

- مدرّس : شیرین عبابافها

محمد بن مرتضی کاشانی

ملقب به مولانا محسن فیض کاشانی

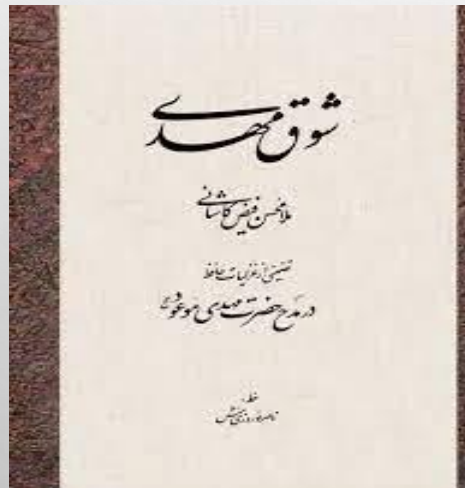
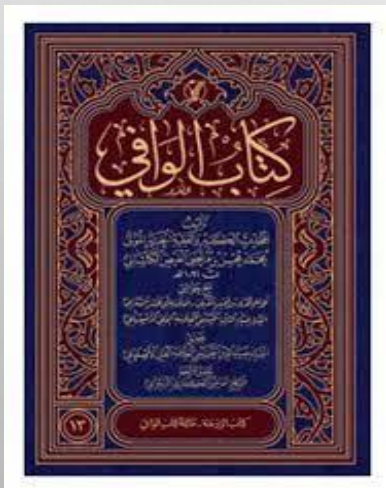


- مولانا محسن فیض کاشانی ، از فقیهان و دانشوران دوره صفوی است .

- وی از شاگردان حکیم نامدار « ملاصدرا » بود.

- در تمامی علوم دینی ، عرفان ، فلسفه و ادبیات تبحر داشت .

- برخی از آثار او عبارت اند از : تفسیر صافی ، کتاب وافی ، شرح صحیفه سجّادیّه ، دیوان اشعار ، شوق المهدی



قالب شعر « شوق مهدی (عج) : غزل

- پیام و محتوای شعر « شوق مهدی (عج) :

-

-- در وصف حضرت مهدی (عج)

- -- تأکید بر این که آثار و نشانه های حضرت مهدی (عج) در این دنیا قابل درک و دیدن است .

- ردیف : است (در مصراع اول و مصراع های زوج)

قافیه ها :

- نهان (مصراع اول) / عیان / بی نشان / شادمان /
فغان / جان

-

- این شعر به صورت مناظره سروده شده است .

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است ؟

گفتا : تو خود حجابی ، ورنه رُخِ عیان است

معنی : گفتم چرا چهره زیبای تو از من پنهان است ؟ در جوابم گفت : وجودِ مادی تو مانند پرده ای است که مرا از چشم تو پنهان می کند و گرنه چهره من آشکار است .

• آرایه های ادبی :

تضاد : عیان ، نهان

• تشبیه : مشبه : تو مشبه به : حجاب

• مراعات نظیر : روی ، رخ ، حجاب

• -----

• حرف « ی » در واژه « حجابی » ، مخففِ فعلِ « هستی » است .

• مرجع ضمیر « تو » ، حضرت مهدی (عج) است

• معنی واژه ها :

حجاب = پرده ، مانع عیان = آشکار ، ظاهر

• رخ = چهره

• -----

تعداد جملات : ۵ جمله

حرف « ا » در واژه « گفتا » ، نشانه سؤال و جواب است .

•

گفتم که از که پرسم ، جانا ، نشان کویت گفتا : نشان چه پرسی ؟ آن کوی ، بی نشان است

معنی : گفتم : ای محبوب عزیز ، نشانی محل زندگی تو را از چه کسی پرسم ؟ گفت : چرا به دنبال نشانی من می گردی ؟

کوی و خانه من بدون نشانی است .

• آرایه های ادبی :

• جناس تام : (« که » اول : حرف ربط)

• (« که » دوم : چه کسی)

• تکرار

• -----

• مقصود از « جانا » ، امام زمان (عج) است

• معنای واژه ها :

• کوی : محله

• جانا = ای محبوب عزیز (منادا و ندا)

• -----

• تعداد جملات : ۶ جمله

•

گفتم : مرا غم تو ، خوش تر ز شادمانی گفتا : که در ره ما ، غم نیز شادمان است

معنی : گفتم : غم عشق تو برای من از هر شادمانی ، دل نشین تر است . گفت : در راه رسیدن به ما ، غم نیز خوشحال است

تعداد جملات : ۴ جمله

قلمرو زبانی :

حذف فعل « است » به قرینه لفظی در مصراع اول
« را » در کلمه « مرا » ، نشانه مفعول نیست بلکه به معنی
حرف اضافه « به » است .

کلمات ساده : غم ، خوش تر ، ره

کلمات وندی : شادمان ، شادمانی

• آرایه های ادبی :

• تشخیص : غم ، شادمان است

• تناقض یا پارادوکس : شادمان بودنِ غم

گفتم که سوخت جانم ، از آتش نهانم گفت : آن که سوخت ، او را کی ناله یا فغان است ؟

معنی : گفتم : آتش عشق تو که در درونم پنهان است ، وجودم را سوزاند . معشوق گفت : عاشقی که در راه معشوق

می سوزد و فنا می شود ، دیگر از او ناله و فریاد بلند نمی شود .

- معنای واژه ها :

- فغان = ناله ، فریاد

- -----

- تعداد جملات : ۵ جمله

- -----

- حرف « را » در مصراع دوم ، نشانهٔ مفعول نیست بلکه به معنی حرف اضافهٔ « به » است

- فعل « است » ، به معنای « وجود دارد » به کار رفته است و غیر اسنادی است .

- این بیت دارای پرسش انکاری است

- آرایه های ادبی :

- کنایه : « سوختنِ جان : کنایه از « رنج کشیدن بسیار »

- مراعات نظیر : سوخت ، آتش

- جناس تام : « که » در مصراع اول : حرف ربط

- « که » در مصراع دوم : کسی که

گفتم : ز فیض بپذیر این نیم جان که دارد گفتا : نگاه دارش ، غمخانه تو جان است

معنی : گفتم : این نیمه جانی که برای فیض (شاعر) باقی مانده است ، به عنوان هدیه و پیشکش قبول کن .

معشوق گفت : این را نزد خودت نگه دار . جانت باید بماند تا بتوانی غم مرا تحمل کن

- تعداد جملات : ۶ جمله

- _____

- « فیض » ، تخلص شاعر است

- _____

- نقش ضمیر « - ش » در « نگاه دارش » : مفعول (آن را نگاه دار)